

اقتباس از مطبوعات خا رجه

## بطرف قطب شمال

برای اکتشاف اقصی نقاط قطب شمال علما و فرزندان نزرگت  
 اروپا از سالیان دراز مجاهدتها نموده و قربانیهای گرانبهای به  
 پیشگاه عالم علم تقدیم کردند. متعالیا دستجاتی از علماء جغرافیا و  
 معرفت الارض و تاریخ با زحمات فوق الطاقه ماطن نزدیک به قطب  
 را که سر تا سر آن سفید و مملکت یخ نامیده میشود طی نموده  
 و سعی کرده اند عادات، اخلاق، دیانت، و طرز زندگانی ساکنین آنجا  
 را فهمیده و فصل افتخار آمیز جدیدی را بدیوان ذبقت و عظیم الشان  
 اکتشافات علمی اضافه کنند. مسافرت در مناطق قطبی با فقدان وسایل  
 سفر و آذوقه و گذراندن در حفره های یخی و تصادف با یخها و  
 وحشی بقدری مشکل و تجا نفر سامت که غالباً داوطلبان و سیاحان  
 بدون نیل مقصود مراجعت کرده یا عمر گرانبهای خود را بمرض  
 مخاطرات طبیعی و فنا گذاشته اند چنانچه در ۱۸۴۷ عده در تحت  
 ریاست ( فرانکن ) سیاح معروف برای اکتشاف مزبور وادی مرک  
 و نیستی را طی کرده اقط در ۱۹۲۱ هیئت سیاحان جدیدی ریاست  
 ( کنور راسموسن ) دانمارکی در نقاط شمالی گروآناند اجسادى  
 پیدا کردند که بعد از تحقیق به هیئت ( فرانکن ) تعلق داشت.

( فرانش ) یکی از اعضاء هیئت جدید ۷۶۸ درجه طول جغرافیائی در شمال گرو آلمند پیش رفته و چهار سال از مشار الیه بی خبر بودند اخیراً مراجعت و به کپنهاک ورود کرد . اطلاعاتی که از مسافرت خود میدهد قسمتی را که مربوط باخلاق و عادات ساکنین دورترین نقطه گرو آلمند است بمطالعه خوانندگان محترم میگذاریم :

( فرانش ) سیاح محترم برای اینکه بتواند در بین قبیله وحشی ( شستر قیلد ) در ناحیه موسوم به ( باهن ) چندی اقامت جست و اطلاعات عامی خود را تکمیل نماید بدو با یکی از زنان آنجا طرح محبت و زناشوئی ریخته و با حمایت زوجه خود موانع گشت چهار سال در کانون قبیله مزبور زندگانی کرده و از مخاطراتی که متوجه اجانب است مصون ماند .

اطرافیان ( فرانش ) قبایل وحشی بودند که با عادات و اخلاق اولیه خلقت خو گرفته اند . کسانی که بانحدود مسافرت میکنند باید اشخاصی باشند قوی البنیه که بتوانند با محیط آنجا سازش کرده و مانوس شوند زیرا هیچ نوع وسایل عادی تمیش در آنجا نیست . تنها غذائی که ممکن است تحصیل نمود عبارتست از سرگین خر گوش و ندرنا گوشت خرس و روباه . شکار حیوانات و دوختن پوست آنها دریائی که لباس اهالی را تشکیل میدهد در شبهای ممتد و طولانی

آنجا بر حسب شعائر دیانتی قبیله مزبور گناه است . غذا خوردن با زنانیکه حمل دارند در يك طرف از منهدات شمردده میشود . مردان آنها میتوانند با رضابت هم زنان خود را مبادله کنند ، شوهرن در فروش زنان و دختران خود مجاز هستند . مردمان آنجا می توانند آزادانه انتحار کنند (فرانشن) به یکنفری که از زندگانی خسته شده و در نهایت سکونت و قوت قلب طنابی برای خفه کردن خود آویزان میکند . برک سیکاری تعارف کرد که بلکه او را از مرک منحرف سازد . اسکیموی مشار الیه با کمال میل و راحتی خاطر در زیر طناب نشسته و بعد از کشیدن سیکار لب خندی زده و خود را بدار آویخت . دخترانی که قدم بهرصه حیات میگذارند اگر والدین آنها در موقع ولادت نتوانستند تا مزدی برای مولود جدید تعیین کنند مولود را با فروخته یا میکشند . از این رو زنان آن نواحی خیلی کم و اغلب آنها دارای دو شوهر هستند .

صفاتی که از قبیله مزبور میتوان با تحیر و تکریم وصف نمود عظمت روح و گذشت خارق العاده است که پدران و مادران قبیله در مواقع قحط و غلامنصه بروز میرسانند . وقتیکه قحطی بناحیه مزبور رو آور میشود مردان پیر و والدین برای استخلاص جوانان قبیله از مرگ مجاعه با کمال نجابت و ضراعت بالنماس فرزندان وقعی نگذاشته مراسم وداع را معمول داشته و خودشانرا زنده در قبرستانهای بعضی دفن میکنند که بعد از از هاق روح اطفال آنها پدران و مادران خود را لبش کرده و از گوشت آنها سرد جوع نمایند .